

سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۵ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۲۹

صفحات: ۲۱۰-۱۹۱

رحمان جهانی دولت آباد: دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی^۱

Email: jahani_rahman@yahoo.com

علی شماعی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران

Email: Shamaiali@yahoo.com

اسماعیل جهانی دولت آباد: دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

Email: Sml.jahani@yahoo.com

چکیده

احیاء هویت محله‌ای و تعلقات اجتماعی به منظور مدیریت بهینه و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان، همواره مورد تأکید محققان و کارشناسان شهری بوده است. در این بین، ایجاد ساختار مدیریت محله‌ای به منظور فراهم کردن فضای مشارکتی، بواسطه شکل‌گیری نهادهای مردمی بویژه شورایاری‌ها را می‌توان حرکتی در این راستا تلقی کرد. بر همین اساس، پژوهش حاضر به سنجش میزان هویت محله‌ای در منطقه هفت تهران و نقش نهادهای مردمی بویژه شورایاری‌ها در تقویت آن پرداخته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. داده‌های مورد استفاده از ابزار پرسشنامه در میان ۵۰۰ نفر از ساکنان ۱۵ سال به بالای منطقه ۷ تهران گردآوری شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که احساس تعلق و حساسیت به محله در بین شهروندان منطقه مورد مطالعه چندان پررنگ و قابل قبول نیست. یکی از مهمترین علل این موضوع فقدان تعامل سازنده بین نهادهای مردمی و شهروندان در این منطقه است. انتظارات شهروندان منطقه از نهادهای مردمی در خصوص تقویت عوامل هویت‌بخش محله‌ها قابل توجه است. این موضوع نشان می‌دهد که حساسیت نسبت به محله و پتانسیل شکل‌گیری هویت محله‌ای در بین شهروندان منطقه هفت وجود دارد و در صورتی که به انتظارات آنان در این خصوص به نحو مطلوب جامه عمل پوشانده شود، وضعیت مناسبتری بر محله‌ها حاکم خواهد شد.

کلید واژگان: هویت، هویت محله‌ای، نهادهای مردمی، شورایاری محله‌ها، منطقه ۷ تهران

^۱ نویسنده مسئول: تهران، خیابان انقلاب، دروازه دولت، خیابان مفتح، دانشگاه خوارزمی تهران.

مقدمه

هویت بر گرفته از صفات و مشخصات جوهری هر شیء یا شخص یا شهر است، که بواسطه وجوهی همچون تمایز و تشابه، تدوام و تحول، وحدت و کثرت، شخصیت پیدا می‌کند (شماعی و پور احمد، ۱۳۹۲: ۹۳). بحران هویت یا احساس بی‌هویتی به عنوان یکی از بحران‌های زندگی انسان امروز در بسیاری از قلمروهای آن و غالب جوامع مشاهده می‌شود (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۷). از این رو هویت بخشی محله‌ای به عنوان مقدمه موضوع تقسیمات کالبدی شهر و چگونگی ابعاد و سلسله مراتب آن، به ضرورتی عمده در مباحث برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (سبحانی‌نژاد، ۱۳۸۸). از طرفی مفهوم محله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاهی ویژه می‌یابد که با هویت‌بخشی به آن می‌توان حس تعلق به مکان و به نوعی حس جا و هویت شهروندان را تقویت نمود (برک پور، ۱۳۸۰).

هر شهر و هر محله‌ای از ویژگی‌های محیط طبیعی و محیط اجتماعی- فرهنگی، هویت خود را باز می‌یابد که آن را از سایر شهرها و محله‌ها متمایز می‌کند. چنین مؤلفه‌هایی یک فرصت و یک امتیاز منحصر به فرد برای تشخیص و حس مکان یا فضا است. ویژگی‌هایی که چه بسا شهروندان نسل اندر نسل و طی سالیان طولانی آن را تجربه کرده و شیوه‌های زندگی خود را با آنها شکل داده‌اند (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰). از گذشته‌های دور محله‌های شهرها در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند. هر محله با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند (عبداله زاده، ۱۳۸۹). این در حالی است که امروزه با اندکی دقت در وضعیت محله‌های مختلف بویژه در شهر تهران می‌توان به این نکته پی برد که محله‌ها در فرآیند گسترش شتابان و بدون مطالعه شهرها دچار چنان دگرگونی شده‌اند که در نهایت به از دست رفتن هویت آنها و در نتیجه کاهش تعلقات فرهنگی- اجتماعی شهروندان به آنها ختم شده است (کمیلی، ۱۳۸۷). در چنین وضعیتی می‌بایست مدیریتی عالمانه، آگاهانه و با برنامه- ریزی درست، در جهت ارتقاء هویت محله‌ای تلاش کرده و این هویت و تعلق باید در تمام سطوح بازبینی و احیا شود و شیوه‌های ارتقای ظرفیت‌های هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی برای بهبود کیفیت زندگی انسانی مورد ارزیابی قرار گیرد (جعفر پور و ادب خواه، ۱۳۸۴). شکل- گیری ساختار مدیریت محله‌ای مستلزم تجدید ساختار امور شهری است. برای این منظور شورایاری‌های محله‌ای از اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ فعالیت شان را در محله‌ها آغاز کردند. شورایاران به عنوان حلقه واسط مردم و نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهر به رغم مشکلاتی که با آن مواجه هستند در جهت شناخت نیازهای شهروندان و یاری رساندن به مدیران شهری

در تأمین این نیازها ایفای نقش می‌کنند (توکلی‌نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸). در این میان، منطقه ۷ تهران با دارا بودن ویژگی‌هایی از قبیل واقع شدن در پهنه مرکزی شهر تهران و پیوند با استخوانبندی مرکز شهر تهران، وجود محلات با هویت در پیوند با رشد قدیم شهر، وجود محورهای فعالیتی با عملکرد فرامنطقه‌ای و شهری، وجود بناهای با ارزش فرهنگی و تاریخی و نیز محور تاریخی و ...، تشکیل نهادهای مردمی از جمله شورایی‌ها را به منظور ایجاد و تقویت خودگردانی محله‌ها در دستور کار قرار داده تا از این طریق بتواند شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی را ایجاد کرده و ایجاد حس تعلق شهروندی با فراهم کردن فضای مشارکت فعال بین شهروندان را محقق سازد (مهندسین مشاور فرهنگ، ۱۳۸۶). بنابراین شکل‌گیری نهادهای مردمی همچون شورایی‌های محله‌ای به منظور ایجاد ساختار مدیریت محله‌ای در سال‌های اخیر را می‌توان در زمره اقداماتی دانست که در راستای تقویت هویت محله‌ای صورت گرفته است. بر همین اساس این مقاله سعی دارد تا در گام نخست میزان هویت محله‌ای شهروندان منطقه ۷ تهران را مورد سنجش قرار داده و سپس به نقش برخی نهادهای مردمی از جمله شورایی‌ها در تقویت یا تضعیف میزان این هویت بپردازد. در راستای هدف فوق، سؤال اصلی و کلی پژوهش بدین گونه طرح می‌شود:

"میزان حس تعلق و هویت ساکنان منطقه ۷ تهران نسبت به محله‌های خود و نقش نهادهای مردمی بویژه شورایی‌ها در احیاء و تقویت آن چگونه بوده است؟"

مبانی نظری پژوهش

هر شهر و یا هر یک از عناصر زیر سیستمی واحد شهر در اجزای شخصیت خود صفاتی دارند که هویت آن را تعیین می‌کند. صفات هویتی ویژگی‌هایی هستند که در صورت به کار گرفته شدن زمینه‌ساز ساماندهی سازنده واحد شهر و یا عناصر زیرسیستمی آن می‌باشند. مهمترین مسأله شناخت هویت شهرها، نداستن ابزار شناخت است که به طور بنیادی از درک غلط مفهوم هویت شروع می‌شود (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۲). «هویت»^۱ از نظر لغوی به معنی هستی، وجود، ماهیت و سرشت است و ریشه آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷). فرهنگ فارسی معین، واژه هویت را چنین تعریف کرده است: "آنچه که موجب شناسایی شخص باشد یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد". (حیاتی، ۱۳۸۹: ۱۲). در فرهنگ آکسفورد، هویت از لحاظ معنایی برابر با همانندی، همسانی، این‌همانی و از لحاظ مفهومی برابر با شرایط

^۱ - Identity

مشخص شدن و تصریح اشخاص یا اشیاء است. شیخاوندی هویت را با تأکید بر «وجه تشخص» تعریف می‌کند: "هویت مبین مجموعه خصایصی که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد" (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۹).

از آنجا که شناخت «هویت محله‌ای»^۱ در محیط‌های شهری در ارتباط با «هویت شهری»^۲ قرار دارد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹) بنابراین شناخت هویت شهری از منظر اندیشمندان مختلف نیز حائز اهمیت است. برای مثال، گودرون منظر عینی را ارائه می‌دهد، برای کوین لینچ تحلیل منظر ذهنی مهم است و کارل کروفر ریخت‌شناسی شهر را عامل تشخیص و هویت شهر می‌یابد (کربلایی، ۱۳۸۴: ۲۸۹). کاوز هویت شهری را بدین سان تعریف می‌نماید: مکان به دو گونه با هویت ارتباط می‌یابد. صفت در تعقیب هویت مکان، که مربوط به تعیین هویت شخص بوسیله توصیف مکان است، که بخشی از هویت اجتماعی است. دومین حالت، هویت مکان است، که به عنوان وجه خاصی از هویت، با هویت اجتماعی قابل قیاس است (Caves, 2005, 106). در جایی دیگر، هویت مکان بخشی از هویت شخصی تعریف می‌شود چرا که این کنش و خواست انسانی است که به فضا معنی می‌بخشد (walmsley, 1990: 64). در واقع هویت مکان برگرفته از ارزش‌های فردی و جمعی است که با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1976). بنابر نظر پروشانسکی، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد مکانی است که او خود را با آن شناسایی می‌کند و به دیگران می‌شناساند (Proshansky, 1978: 14). بهزادفر سه محیط طبیعی (متغیرهایی چون کوه، دشت، رود، تپه و ...)، محیط مصنوعی (متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه و ...) و انسانی (شامل متغیرهایی چون زبان، دین، آداب و رسوم، اعتقادات محلی و ...) را مولفه‌های سازنده هویت شهر ذکر می‌کند (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

در رشته‌های مختلف علوم نیز، جامعه‌شناسان، فضای اجتماعی را مدنظر دارند و فضای اجتماعی را «تداعی فضایی نهادهای اجتماعی» می‌دانند (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۸۱). بطور مثال، راپاپورت ارتباط تنگاتنگی بین بقای هویت از یک سو و بقا گروه، جامعه و فرهنگ آن از سوی دیگر قائل است. (براتی، ۱۳۸۱: ۴۲۳-۴۲۵). در معماری بهره‌گیری از تخیلات معماران و ابعاد ذهنی آنان در شکل‌گیری و آفرینش فضاهای شهری نقش ویژه‌ای دارد. برخلاف علوم جغرافیایی، نگرش علوم معماری به فضا و هویت، استقلال فرم از کارکرد را متبلور می‌سازد

^۱ - Neighborhood Identity

^۲ - Urban Identity

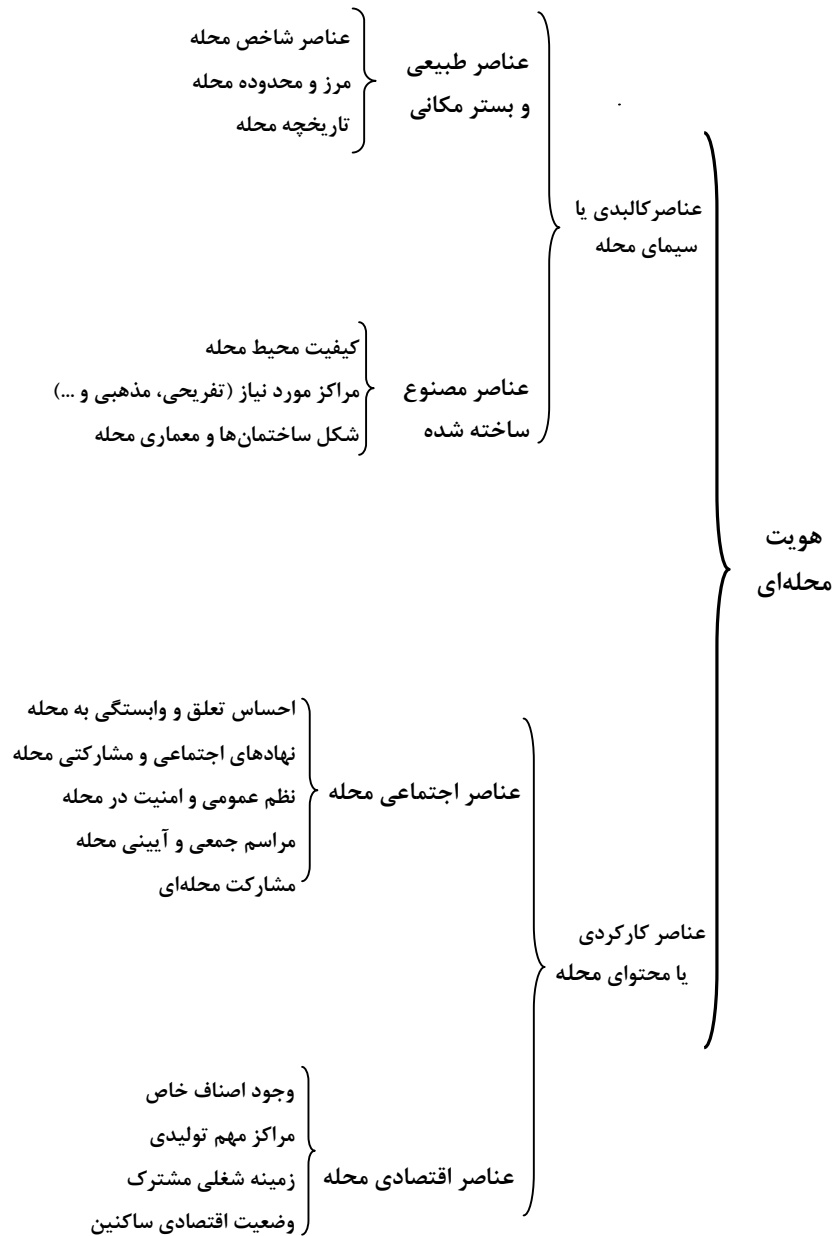
(مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۴). از منظر روانشناختی، هویت بر ساخته احساسات و تمایلات فردی و شخصی است و عبارت از احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی می‌باشد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۱). اما جغرافیا با یک نگرش کل‌نگر و نظام‌مند بازبایی و حفظ هویت را از طریق توجه به مجموعه‌ای از واقعیات مکانی- فضایی جستجو می‌کند. در واقع از این دیدگاه هویت، زمانی وجه واقعی به خود می‌گیرد که تمامی عناصر کالبدی در ارتباط با هم یک فضای کارکردی خاص بیافرینند که از برهم کنش این مجموعه هویت در فضا شکل می‌گیرد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۵۶).

از آنجایی که «هویت»، مجموعه‌ایی از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ محله نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت‌یافته و مستقل می‌گردد. به عبارت بهتر، محله با هویت محله‌ای است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمییز و تشخیص باشد (McMalaing, D.W, and Chavis, 1986). هویت در محله به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در ساکنان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و آنها را به «هم محله‌ای‌ها» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، تبدیل می‌کند. (برک پور، ۱۳۸۰). لنینچ محله را در قالب عناصر پنج‌گانه راه، نشانه، محله، گره و محله چنین تعریف می‌کند: " محله منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است، به گونه‌ای که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس کند (چپمن، ۱۳۸۴: ۱۹۰). وی معتقد است که محله قسمت نسبتاً بزرگی است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه باشد (لنینچ، ۱۳۸۴: ۱۲۴). هویت محله‌ای را، احساس تعلق به یک محله مسکونی نیز تعریف می‌کنند (Foth, 2004: 8-9). قاسمی شرایط هویت‌مندی یک محله را تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی، خاطرات جمعی از محله و موضوعاتی از قبیل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان بر می‌شمرد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۸).

به طور خلاصه آنکه، هویت داشتن به معنای خاص بودن و متمایز بودن، ثابت ماندن و پایدار بودن و به جمع تعلق داشتن است. شهرها و یا هر یک از عناصر زیر سیستمی موجود در آن مانند همه موجودات و چیزهای دیگر بر مبنای صفات ممیزه‌ای که آنها را از سایر موجودات و چیزهای دیگر جدا می‌کند، واجد هویت است. این صفات یا مؤلفه‌های شخصیتی شهرها همانند شخصیت انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. به عبارتی، هویت در شهرها با در نظر گرفتن تمام ابعاد مکانی و زمانی قابل تشخیص می‌باشد. منظور از بعد مکانی، ویژگیهای

محیطی- اکولوژیک و منظور از بعد زمان ویژگی‌های تاریخی از ابتدا تا زمان حال در مقیاس اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی است که روی هم رفته عناصر سازنده فضای شهری در قالب چهار بعد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را تشکیل می‌دهند. در واقع از نگاه جغرافیایی، هویت شهر یا محله در پیوند تمامی عناصر کالبدی و غیر کالبدی شهر شکل می‌گیرد و عنصری می‌تواند نقشی هویت‌ساز برای محله ایفا کند که در وهله اول مرتبط با نیازهای ساکنین و در گام بعدی مطابق با الگوها و کارکردهای محله باشد. ایفا نمودن چنین نقشی در بستر محله، منجر به متمایز شدن محله و در نهایت هویت یافتن آن می‌شود. بنابراین هنگامی که از هویت محله‌ای صحبت می‌کنیم، منظور در واقع یک نظام یافتگی ساختاری و کاربردی در محله و یک انتظام در معماری آن است؛ بدیهی است که این انتظام یا سازمان دارای ابعاد درونی خود باشد که در مقیاس محله قابل تقسیم به عناصر کالبدی یا سیمای محله‌ها و عناصر کارکردی یا محتوای محله‌ها بوده و از این طریق ابعاد هویتی محله‌ها قابل تشخیص هستند.

بنابراین مفهوم‌سازی و تعیین شاخص‌های هویت محله‌ای جهت سنجش میزان آن در منطقه ۷ تهران به ترتیب شکل (۱) تحت عنوان مدل مفهومی پژوهش قابل نمایش می‌باشد.



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال سنجش وضعیت تعلق و هویت محله‌ای شهروندان منطقه ۷ و نقش شورایی‌ها در این خصوص می‌باشد، لذا از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و بر حسب ماهیت پژوهش توصیفی-تحلیلی، زمینه‌یاب (پیمایشی) می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از روش ترکیبی، یعنی ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی استفاده شده است. بدین صورت که برای مطالعات نظری در خصوص استخراج شاخص‌های هویت محله‌ای از شیوه کتابخانه‌ای و برای سنجش وضعیت آن و نقش شورایی‌ها در تقویت یا تضعیف آن، از روش‌های پیمایشی منجمله پرسشنامه بهره گرفته شده است. جمعیت آماری پژوهش را کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن در منطقه ۷ تهران تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله بوده است. بر همین اساس، ابتدا محدوده جغرافیایی منطقه ۷ و نواحی پنج‌گانه آن مشخص شده و سپس هر کدام از ناحیه‌ها بر روی نقشه به بلوک‌ها یا محله‌هایی تقسیم گردید. در نهایت، پاسخگویان نهایی، که با استفاده از فرمول کوکران ۵۰۰ نفر محاسبه شده بود، در داخل هر کدام از بلوک‌ها یا محله‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند.

پرسشنامه با هدف سنجش میزان هویت محله‌ای ساکنان منطقه ۷ تهران و نقش شورایی‌ها در آن، براساس شاخص‌های انتخابی ابعاد کالبدی و محتوایی محله‌ها و بطور خاص عناصر طبیعی، مصنوع و اجتماعی محله‌ها طراحی شده و متشکل از چهار بخش اصلی است. بخش عمده و نخست آن؛ مشتمل بر ۱۳ سؤال بر اساس عناصر طبیعی، مصنوع و اجتماعی محله‌ها به منظور سنجش میزان هویت محله‌ای در منطقه ۷ تهران مطرح شده است که توسط پاسخگویان از ۱ تا ۵ بر اساس مقیاس ترتیبی و در قالب طیف لیکرت؛ خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم امتیاز دهی شده است. بخش دوم؛ در قالب چهار سؤال بدین ترتیب است که سؤال اول و دوم توسط پاسخگویان و با مقیاس اسمی؛ بلی، خیر امتیازدهی شده و دو سؤال بعدی نیز بر اساس مقیاس ترتیبی و در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است که روی هم رفته تعیین کننده وضعیت تعامل شهروندان با نهادهای مردمی می‌باشد. بخش سوم؛ نقش نهادهای مردمی را در هریک از سؤالات ۱۳ گانه هویت محله‌ای از نگاه شهروندان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین ۱۳ سؤال با مقیاس ترتیبی و در قالب طیف لیکرت توسط پاسخگویان و به منظور ارزیابی نقش نهادهای مردمی در تقویت یا تضعیف هویت محله‌ای مطرح شده است. بخش چهارم؛ نیز انتظارات شهروندان از نهادهای مردمی در خصوص سؤالات ۱۳ گانه هویت محله‌ای را با مقیاس ترتیبی و در قالب طیف لیکرت مورد اندازه‌گیری

قرار می‌دهد.

پس از تکمیل پرسشنامه و وارد کردن آن‌ها در نرم‌افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر هویت محله‌ای، که متشکل از گویه‌های هم‌ارز است، محاسبه شد و براساس آن ضریب مذکور برای این متغیر ۰/۷۲ محاسبه گردید که با استناد به نظر اوپنهام، ضریب پایایی فوق بیانگر روایی قابل قبول است. "به منظور اعتبارسنجی پرسشنامه از روش اعتبار صوری استفاده شده است. بدین گونه که پرسشنامه در اختیار افراد متخصص گذاشته شده تا با تأسی از نظر آنان اعتبار پرسشنامه ارزیابی شود (بیکر، ۱۳۸۸). با توجه به روش‌های تحلیل تک‌متغیره، دومتغیره، سه‌متغیره داده‌ها و نیز سطوح سنجش متغیرها، می‌توان به دو شیوه توصیفی^۱ استنباطی^۲ به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت، که در بررسی حاضر با توجه به تک‌متغیره بودن تحلیل‌ها، نیازی به استفاده از روش استنباطی نیست. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از «بسته نرم‌افزاری آمار برای علوم اجتماعی» (SPSS.18.5) استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه پژوهش

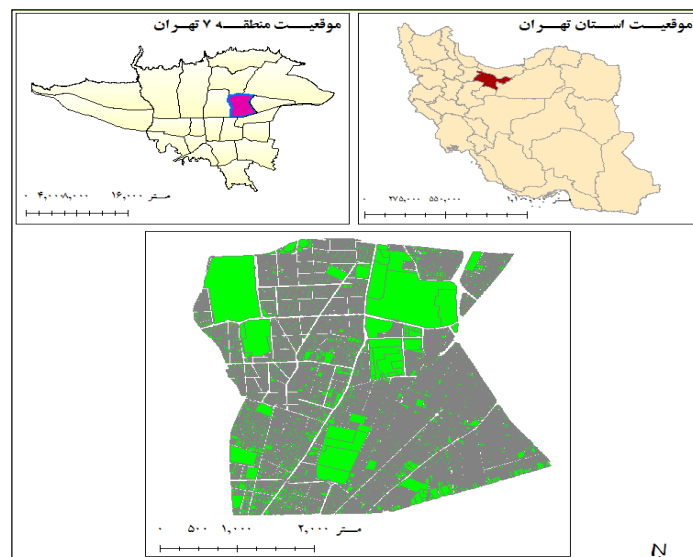
منطقه ۷ یکی از مناطق واقع در پهنه مرکزی شهر تهران، با مساحت ۱۵۴۰ هکتار در حدود ۲,۱ درصد مساحت کل شهر را در بر گرفته و از لحاظ وسعت، مقام پانزدهم را در بین مناطق شهر تهران دارا می‌باشد. جمعیت ساکن منطقه در سال ۱۳۹۰ حدود ۳۲۹۹۲۰ نفر بوده است. تراکم نسبی جمعیت نیز حدود ۲۰,۳۱۴ در هر کیلومتر مربع است. منطقه مذکور از شمال به مناطق ۳ و ۴، از جنوب به مناطق ۱۳ و ۱۲، از غرب به منطقه ۶ و از شرق به منطقه ۸ محدود است. این منطقه که در قلب تهران قرار گرفته دارای ۵ ناحیه و ۱۶ محله می‌باشد. محلات گرگان، نظام‌آباد، عباس‌آباد، عشرت‌آباد و اندیشه از محلات مشهور این منطقه محسوب می‌شوند (مهندسین مشاور فرهنگ، ۱۳۸۶). ویژگی‌های عمده منطقه بطور کلی عبارتند از:

- واقع شدن در پهنه مرکزی شهر تهران و پیوند با استخوان‌بندی مرکز شهر تهران در غرب شریعتی؛
- وجود محلات با هویت در پیوند با رشد قدیم شهر؛
- عبور شش خط اصلی مترو و نیز وجود محورهای فعالیتی با عملکرد فرامنطقه‌ای و شهری؛
- وجود اراضی نسبتاً وسیع با کاربری نظامی؛
- وجود محور تاریخی شمیران (دکتر شریعتی)؛

1. Descriptive

2. Inferential

- تفاوت چشمگیر میان بخش شرقی و غربی منطقه؛
 - احاطه شدن نسبی منطقه در شبکه بزرگراهی (سایت شهرداری منطقه ۷).
- عنایت به ویژگی‌های فوق به همراه پایداری جوامع محلی و افزایش ارزش‌های سکونت‌ی نظام مدیریت نوین شهری و جلب مشارکت اجتماعی، در چارچوب اهداف اجتماعی- جمعیتی مربوط به طرح‌های فرادست، متضمن توجه به راهبردهایی از قبیل تقویت توان مدیریت شهری با حذف مدیریت منطقه و ارتقاء آن به سطح مدیریت حوزه و به موازات آن ایجاد بستر شکل-گیری شوراهای محلات و حضور فعال شهروندان در مدیریت شهری در مقیاس محله و در نتیجه دست یافتن به هویتی پایدار در محله‌های منطقه ۷ می‌باشد.



شکل (۲) موقعیت منطقه ۷ تهران؛ مأخذ: نگارندگان

داده‌ها و بحث

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های به دست آمده از این پژوهش را می‌توان حول محور اصلی «سنجش هویت محله‌ای شهروندان»، و سه محور فرعی، شامل «بررسی وضعیت تعامل شهروندان منطقه با نهادهای مردمی»، «ارزیابی شهروندان از نقش این نهادها در تقویت هویت محله‌ای» و «انتظارات آنها از نهادهای مردمی محله‌ها» مورد بررسی قرار داد.

الف- میزان احساس تعلق شهروندان به عناصر هویتی محله

سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران ۲۰۱

در این مطالعه، به منظور سنجش هویت محله‌ای شهروندان منطقه، عناصر و اجزاء این هویت در قالب ۱۳ پرسش مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به دست آمده از این بررسی در جدول ۱ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول (۱) توزیع پاسخگویان بر حسب احساس تعلق به عناصر هویتی

عناصر هویت محله‌ای	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بی‌نظر
احساس تعلق و وابستگی به محله	۱۹,۶	۳۱,۲	۲۴,۴	۸,۰	۱۳,۸	۳,۰
شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۱۸,۲	۲۳,۰	۱۹,۲	۶,۲	۲۰,۸	۱۲,۶
آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی	۱۳,۸	۱۶,۶	۴۳,۶	۱۲,۴	۱۲,۰	۱,۴
پیگیری مسائل و مشکلات محله	۹,۰	۱۱,۴	۳۱,۴	۱۴,۴	۲۶,۰	۷,۸
آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید و ... محله	۷,۴	۲۱,۰	۲۸,۸	۱۵,۶	۲۴,۶	۲,۶
میزان آشنایی با تاریخچه محله	۷,۲	۹,۴	۲۲,۰	۱۵,۲	۴۰,۸	۵,۴
ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله	۳,۶	۱۵,۸	۳۰,۸	۱۲,۸	۳۵,۲	۱,۸
شرکت در مراسم و برنامه‌های جمعی محله	۳,۸	۵,۰	۱۶,۶	۱۲,۸	۴۶,۶	۱۵,۲
آشنایی با عناصر یا چهره‌های شاخص محله	۳,۰	۷,۰	۲۱,۴	۱۶,۶	۴۵,۸	۶,۲
ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله	۲,۲	۶,۰	۳۴,۲	۱۲,۶	۴۳,۴	۱,۶
میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله	۲,۴	۴,۲	۱۲,۴	۱۳,۴	۵۶,۴	۱۱,۲
ارزیابی از وضعیت گذران اوقات فراغت جوانان در محله	۱,۲	۴,۲	۱۲,۰	۹,۴	۶۱,۶	۱۱,۴
مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوط به محله	۱,۰	۴,۴	۱۳,۶	۱۲,۸	۵۷,۸	۱۰,۴

اطلاعات جدول فوق حاکی از آن است که به جز سه شاخص «احساس تعلق و وابستگی به محله»، «شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله» و «آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی»، که از وضعیت نسبتاً قابل قبولی در میان شهروندان منطقه برخوردارند، بقیه شاخص‌ها با ضعف اساسی مواجه‌اند. سه شاخص «میزان مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوط به محله»، «وضعیت گذران اوقات فراغت جوانان در محله» و «میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله» ضعیف‌ترین ابعاد هویت محله‌ای در منطقه ۷ محسوب می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین مشکلات محله‌های منطقه ۷ فقدان انگیزه کافی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌های مربوط به محله است، ضمن اینکه نباید از مشکلاتی که دیگر شاخص‌های هویتی با آن مواجه هستند نیز غافل شد.

ب- وضعیت تعامل شهروندان با نهادهای مردمی

میزان آشنایی با نهادهای مردمی: طبق داده‌های جدول ۱، بخش اعظم پاسخگویان (۸۵,۶ درصد) اذعان نموده‌اند که نهادهای مردمی موجود در سطح محله‌شان را نمی‌شناسند و تنها ۱۴,۴ درصد از آنها اعلام کرده‌اند که با این نهادها آشنا هستند. این نتایج نشان

می‌دهد که نهادهای یاد شده آنچنان که باید و شاید با اهالی محله‌ها در ارتباط نبوده و برای آنها شناخته شده نیستند.

جدول (۲) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آشنایی با نهادهای مردمی

ردیف	شرح	فراوانی	درصد
۱	بلی	۷۲	۱۴,۴
۲	خیر	۴۲۸	۸۵,۶
جمع		۵۰۰	۱۰۰,۰

وضعیت دیدار و ملاقات با اعضای نهادهای مردمی: طبق داده‌های به دست آمده اکثریت قریب به اتفاق شهروندان (۹۰,۸) اظهار نموده‌اند که تاکنون هیچ‌گونه دیدار و ملاقاتی با اعضای نهادهای فعال در سطح محله‌شان نداشته‌اند. تنها ۹,۲ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که با اعضای این نهادها ملاقات داشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اهالی محله‌های ارتباط چندان مؤثری با اعضای نهادهای مذکور ندارند.

جدول (۳) توزیع پاسخگویان بر حسب دیدار و ملاقات با اعضای نهادهای مردمی

ردیف	شرح	فراوانی	درصد
۱	بلی	۴۶	۹,۲
۲	خیر	۴۵۴	۹۰,۸
جمع		۵۰۰	۱۰۰,۰

میزان آشنایی با وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مردمی: در مطالعه انجام شده سعی نمودیم میزان آشنایی شهروندان منطقه ۷ را با وظایف و مسئولیت‌های نهادهای فعال در سطح مناطق را بسنجیم، برای این منظور یکی از این نهادها، یعنی شورایی‌های محله‌ها، به عنوان تنها نهاد مردمی که در همه محله‌های منطقه ۷ حضور دارد، انتخاب شده و نظرات شهروندان در مورد وظایف و مسئولیت‌های این نهاد مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج به دست آمده، میزان آشنایی ۷۳ درصد از پاسخگویان با وظایف و مسئولیت‌های شورایی‌ها در حد خیلی کم، ۱۱ درصد در حد کم، ۱۳ درصد در حد متوسط، ۲,۴ درصد در حد زیاد و تنها ۰,۶ درصد در حد خیلی زیاد بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که شهروندان منطقه ۷ آشنایی چندانی با وظایف و مسئولیت‌های شورایی‌ها ندارند و این امر می‌تواند تا حد زیادی ناشی از اطلاع‌رسانی ضعیف در این خصوص باشد.

سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران ۲۰۳

جدول (۴) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آشنایی با وظایف و مسئولیت‌های شورایی‌ها

ردیف	شرح	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۳	۰,۶
۲	زیاد	۱۲	۲,۴
۳	متوسط	۶۵	۱۳,۳
۴	کم	۵۵	۱۱,۰
۵	خیلی کم	۳۶۵	۷۳,۰
جمع		۵۰۰	۱۰۰,۰

میزان آشنایی با اقدامات و فعالیت‌های نهادهای مردمی: بر اساس اطلاعات جدول زیر، ۷۹,۴ درصد از پاسخگویان با اقدامات و فعالیت‌های شورایی‌ها در حد خیلی کم، ۱۰,۶ درصد در حد کم، ۷,۸ درصد در حد متوسط، ۲ درصد در حد زیاد و کمتر از یک درصد در حد خیلی زیاد آشنا هستند. بنابراین، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت شهروندان منطقه ۷ تقریباً از اقدامات و فعالیت‌هایی که شورایی‌ها در سطح محله‌ها انجام می‌دهند، اطلاع چندانی ندارند.

جدول (۵) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آشنایی با اقدامات و فعالیت‌های شورایی محله

ردیف	شرح	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۱	۰,۲
۲	زیاد	۱۰	۲
۳	متوسط	۳۹	۷,۸
۴	کم	۵۳	۱۰,۶
۵	خیلی کم	۳۹۷	۷۹,۴
جمع		۵۰۰	۱۰۰,۰

ج- ارزیابی شهروندان از نقش نهادهای مردمی در تقویت هویت محله‌ای

در این مطالعه همچنین سعی نمودیم تا ارزیابی شهروندان منطقه از نقش نهادهای مردمی در تقویت هر کدام از عناصر سیزده‌گانه هویت محله‌ای را مورد بررسی قرار داده و در نهایت از مجموع این نظرات به یک جمع‌بندی کلی از نقش این نهادها در تقویت هویت محله‌ای دست یابیم. نتایج این بررسی در جدول زیر آمده است:

جدول (۶) ارزیابی شهروندان از نقش نهادهای مردمی در تقویت هویت محله‌ای

نقش نهادهای مردمی در تقویت هویت محله‌ای	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بی‌نظر
احساس تعلق و وابستگی به محله	۳,۶	۴,۶	۸,۰	۵,۶	۵۲,۶	۲۵,۶
شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۱,۲	۴,۸	۱۱,۴	۹,۰	۴۴,۲	۲۹,۴
وظایف و حقوق شهروندی ساکنین	۰,۲	۳,۸	۸,۰	۱۰,۰	۵۵,۶	۲۲,۴
حل مشکلات و مسائل مربوط به محله	۰,۴	۲,۶	۶,۰	۱۲,۶	۴۸,۰	۳۰,۴
شناساندن مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید و ... محله	۰,۰	۲,۶	۶,۸	۱۱,۴	۵۷,۰	۲۲,۲
شناساندن تاریخچه محله	۰,۶	۲,۲	۸,۰	۸,۲	۵۷,۴	۲۳,۶
برقراری آرامش و امنیت در محله	۱,۴	۳,۴	۷,۶	۱۰,۴	۴۸,۴	۲۸,۸
برگزاری مراسم و برنامه‌های جمعی در سطح محله	۱,۴	۵,۴	۹,۸	۱۰,۴	۴۵,۲	۲۷,۸
شناساندن عناصر یا چهره‌های شاخص محله	۰,۰	۱,۸	۶,۲	۱۲,۲	۵۵,۴	۲۴,۴
بهبود نظافت و زیبایی محله	۰,۰	۳,۶	۱۲,۲	۱۰,۴	۴۷,۶	۲۶,۲
فراهم آوردن امکانات گذران اوقات فراغت در محله	۲,۲	۲,۴	۶,۲	۱۱,۶	۵۲,۸	۲۴,۸
سهیم کردن مردم در برنامه‌های مربوط به محله	۰,۴	۱,۸	۶,۸	۶,۴	۶۰,۸	۲۳,۸

همانطور که داده‌های جدول بالا نیز نشان می‌دهد، شهروندان منطقه هفت نقش نهادهای مردمی را در تقویت هویت محله‌ای چندان مؤثر نمی‌دانند. بیشترین نقشی که شهروندان منطقه، طبق یافته‌های این پژوهش، برای این نهادها قائل شده‌اند مربوط به نقش آنها در «بالا بردن احساس تعلق به محله» است که در این مورد نیز تنها ۸,۲ درصد از پاسخگویان نقش نهادها را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. کمترین رقم، معادل ۱,۸ درصد، نیز مربوط به ارزیابی شهروندان از نقش نهادهای مردمی در شناساندن عناصر شاخص محله است. نمره بقیه شاخص‌ها بین این دو عدد حداکثر و حداقل قرار دارد، که نشان‌دهنده نقش بسیار ضعیف نهادهای فعال در سطح محله در تقویت هویت محله‌ای از نظر شهروندان است. این وضعیت با توجه به آنچه در خصوص تعامل شهروندان با نهادهای یاد شده گفته شد، کاملاً قابل انتظار است. به عبارت بهتر، هر نهادی برای آنکه بتواند بر رفتارها و دیدگاه‌های شهروندان تأثیر گذارد، لازم است به گونه‌ای مستمر و سازنده با آنها ارتباط و تعامل داشته باشد. در صورت فقدان چنین تعاملی، همچنان که در بین نهادهای منطقه ۷ و شهروندان این منطقه دیده می‌شود، تأثیر گذاشتن بر رفتارها و دیدگاه‌های افراد دور از انتظار خواهد بود.

د- انتظارات شهروندان از نهادهای مردمی

یکی دیگر از محورهایی که در پژوهش حاضر بدان پرداخته شده است، انتظارات شهروندان از نهادهای مردمی حاضر در سطح محله‌های است. برای این منظور، انتظار شهروندان از این

سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران ۲۰۵

نهادهای مردمی در هر کدام از عناصر هویت محله‌ای مورد سؤال قرار گرفته و از آنها پرسیده شد که تا چه حد انتظار دارند نهادهای مردمی در جهت بهبود یا تقویت هر کدام از عناصر یاد شده فعالیت کنند. با تحلیل پاسخ‌های شهروندان می‌توان به یک جمع‌بندی کلی از انتظارات آنها از نهادهای مردمی دست یافت.

جدول (۷) انتظارات شهروندان از نهادهای مردمی

انتظار شهروندان منطقه از نهادهای مردمی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بی‌نظر
احساس تعلق و وابستگی به محله	۳۲٫۸	۴۲٫۰	۹٫۰	۳٫۸	۳٫۶	۸٫۸
برگزاری مسابقات فرهنگی و ورزشی در سطح محله	۲۷٫۸	۳۹٫۸	۱۲٫۶	۴٫۸	۶٫۰	۹٫۰
آموزش حقوق شهروندی به ساکنین محله	۳۰٫۶	۳۸٫۲	۱۴٫۲	۴٫۴	۵٫۰	۷٫۶
حل مشکلات و مسائل مربوط به محله	۳۴٫۸	۴۰٫۴	۱۱٫۲	۳٫۲	۴٫۴	۶٫۰
شناساندن مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید و ... محله	۲۶٫۲	۴۱٫۴	۱۴٫۲	۶٫۴	۶٫۲	۵٫۶
شناساندن تاریخچه محله	۲۵٫۸	۳۹٫۲	۱۳٫۰	۶٫۶	۶٫۸	۸٫۶
برقراری آرامش و امنیت در محله	۳۱٫۲	۳۸٫۶	۱۱٫۶	۴٫۲	۴٫۴	۱۰٫۰
برگزاری مراسم و برنامه‌های جمعی در سطح محله	۲۶٫۴	۴۰٫۰	۱۱٫۴	۵٫۲	۷٫۶	۹٫۴
برای شناساندن عناصر شاخص محله	۲۱٫۶	۳۹٫۴	۱۶٫۶	۷٫۶	۷٫۴	۷٫۰
بهبود نظافت و زیبایی محله	۴۳٫۰	۳۶٫۸	۷٫۴	۴٫۸	۳٫۲	۴٫۶
افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله	۲۸٫۰	۳۶٫۲	۱۵٫۲	۵٫۰	۷٫۶	۸٫۰
فراهم آوردن امکانات گذران اوقات فراغت در محله	۳۵٫۲	۳۹٫۴	۹٫۰	۳٫۸	۶٫۶	۶٫۰
درگیر کردن افراد در برنامه‌های مربوط به محله	۲۱٫۴	۳۹٫۶	۱۷٫۲	۶٫۶	۷٫۸	۷٫۴

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که شهروندان منطقه در هر ۱۳ مورد (که هر مورد مربوط به یکی از عناصر هویت محله‌ای است) از نهادهای مردمی حاضر در سطح محله انتظار دارند تا در جهت تقویت هویت محله‌ای و احساس تعلق به محله فعالیت نمایند. طبق نتایج به دست آمده، بیشترین انتظار شهروندان از نهادهای یاد شده به «بهبود زیبایی محله» مربوط است. انتظار از نهادهای مردمی برای «حل مشکلات و مسائل مربوط به محله» و «فراهم آوردن امکانات گذران اوقات فراغت در محله» به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. البته باید توجه داشت که انتظار شهروندان از نهادهای حاضر در سطح محله‌ها در مورد همه عناصر هویت محله‌ای قابل ملاحظه است.

بنابراین می‌توان گفت که علیرغم احساس تعلق و هویت ضعیف ساکنان منطقه ۷ تهران نسبت به محله‌های خود و نقش بسیار کم رنگ نهادهای مردمی بویژه شورایاری محله‌ها در تقویت آن، به نظر می‌رسد که پتانسیل شکل‌گیری هویت محله‌ای در بین شهروندان منطقه

هفت وجود دارد و در صورتی که به انتظارات مردم در این خصوص جامه عمل پوشانده شود، وضعیت مطلوب‌تری بر محله‌ها حاکم خواهد شد.

بطور کلی طبق یافته‌های این پژوهش، احساس تعلق و هویت نسبت به محله، نزد ساکنان منطقه ۷ تهران در حد پایین بوده و نقش نهادهای مردمی و بویژه شورایاری‌ها نه تنها در راستای تقویت این فاکتور عمل نکرده بلکه در بسیاری موارد ساکنان از تعامل با این نهادها یا از وظایف و اقداماتی که انجام می‌دهند، کاملاً بی‌خبر و حتی بعضاً از موجودیت چنین نهادهایی ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند. این موضوع باعث شده تا اکثریت شهروندان منطقه، نقش چنین نهادهایی در ارتقاء حس تعلق و هویت به محله خود را بسیار ضعیف ارزیابی کنند. این در حالی است که تقویت توان مدیریت شهری با حذف مدیریت منطقه و ارتقاء آن به سطح مدیریت حوزه و به موازات آن ایجاد بستر شکل‌گیری شورایاری محله‌ها و حضور فعال شهروندان در مدیریت شهری در مقیاس محله و در نتیجه دست یافتن به هویتی پایدار در سال‌های اخیر همواره مورد تأکید کارشناسان امور شهری بوده است. پرداختن به این موضوع با عنایت به پتانسیل‌های تاریخی و اجتماعی فرهنگی منطقه ۷ تهران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده که امید است این مطالعه قدمی هرچند ناچیز در این خصوص برداشته باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اساس پیمایش و با استفاده از داده‌های میدانی سعی کرد تا میزان هویت و تعلق ساکنان منطقه ۷ تهران به محله‌های خود و نقشی که نهادهای مردمی بویژه شورایاری محله‌ها در این خصوص ایفا می‌کنند را مورد سنجش قرار دهد. ارزیابی‌های به عمل آمده در این خصوص حاکی از آن است که:

طبق یافته‌های این پژوهش احساس تعلق و حساسیت به محله در نزد شهروندان منطقه ۷ تهران، چندان پررنگ و قابل اتکا به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر، گرچه برخی از شاخص‌های هویت محله‌ای مانند «احساس تعلق به محله» هنوز از اهمیت بالایی در بین شهروندان منطقه برخوردار است، اما برخی دیگر از شاخص‌های تعریف شده برای این هویت، از جمله «مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها یا برنامه‌های مربوط به محله» تا حد زیادی اهمیت خود را از دست داده‌اند. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که هویت محله‌ای در محله‌های منطقه هفت از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

در خصوص وضعیت تعامل شهروندان با نهادهای مردمی ذکر این نکته حائز اهمیت است که ساکنان منطقه ۷ تهران از تعامل با این نهادها یا از وظایف و اقداماتی که انجام می‌دهند، کاملاً

بی‌خبر و حتی بعضاً از موجودیت چنین نهادهایی ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند. در واقع از آن تعامل سازنده‌ای که انتظار می‌رود بین شهروندان و اعضای نهادهای یاد شده برقرار باشد، چندان خبری نیست.

در خصوص ارزیابی شهروندان از نقش نهادهای مردمی در تقویت هویت محله‌ای، نتایج نشان دادند که شهروندان منطقه ۷ تهران، نقش نهادهای مردمی حاضر در سطح محله‌ها را در تقویت هویت محله‌ای چندان مؤثر نمی‌دانند که این امر با توجه به آنچه در بالا در خصوص تعامل شهروندان با این نهادها گفته شد، کاملاً قابل انتظار است.

مورد دیگر اینکه، شهروندان منطقه انتظار دارند تا نهادهای مردمی در جهت تقویت مؤلفه‌های مربوط به هویت محله‌ای و احساس تعلق به محله عمل نمایند و بیشترین خواسته ساکنان از نهادهای مردمی در این خصوص مربوط به حل مسائل و مشکلات محله از جمله، حفظ نظافت و زیبایی آن است.

پیشنهادات

به منظور تقویت هویت و احساس تعلق ساکنان منطقه ۷ تهران به محله‌های خود بواسطه حضور فعال نهادهای مردمی، پیشنهادهایی البته با اتکاء به نظرات شهروندان ساکن منطقه و بر حسب اولویت‌های ضرور در این خصوص به شرح زیر بیان می‌شود:

اطلاع‌رسانی از سوی نهادهای مردمی فعال در سطح محله‌ها در زمینه فعالیت‌ها، خدمات و مسئولیت‌ها؛

برگزاری جلسات از سوی نهادهای مردمی به منظور دیدار و ملاقات با مردم و از این رهگذر، اطلاع حاصل کردن از مسائل و مشکلات آن‌ها؛

درگیر کردن افراد در فرآیند ایجاد تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها در سطح محله به منظور مشارکت آن‌ها در اجرای برنامه‌ها و برخورد با مشکلات، موانع و مزایای حاصل از برنامه‌های مربوط به نهادها؛

تجدید نظر در خصوص برخی فعالیت‌ها و خدمات به منظور ایجاد حس رضامندی در نزد افراد ساکن محله‌ها؛

برقراری تعامل بیشتر با ساکنین محله‌ها به منظور تنظیم فعالیت‌ها و برنامه‌های خود در راستای انتظارات شهروندان؛

شناسایی و حل مشکلات اساسی و مختل کننده زندگی روزمره مردم در سطح محله مانند حفظ نظافت و زیبایی محله، به منظور جلب اعتماد مردم؛

برگزاری مراسم و برنامه‌های جمعی از سوی نهادهای مردمی و شرکت دادن مردم در آن‌ها به منظور افزایش تعاملات و حس وابستگی در بین افراد محله؛
برگزاری دوره‌های آموزشی از سوی نهادهای مردمی برای منتخبان مردم به منظور تغییر دانش و نگاه آنها نسبت به امور محله.

منابع و مآخذ

۱. بیکر، ترز ال، (۱۳۸۸) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران، انتشارات نی، چاپ سوم.
۲. برک پور، ناصر (۱۳۸۰) پایداری هویت در محله های مسکونی، گفتگو با کامران ذکاوت، مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۵، تهران.
۳. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶) هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران، تهران، نشر شهر.
۴. براتی، ناصر (۱۳۸۱) توسعه جدید شهری و شهرهای جدید، (هویت جدید یا بی‌هویت، مجموعه مقالات سومین سمینار شهرهای جدید، شرکت عمرانی شهرهای جدید).
۵. توکلی‌نیا، جمیله؛ استادی سیسی، منصور (۱۳۸۸) تحلیل پایداری محله های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها (نمونه موردی: محله های اوین، درکه و ولنجک)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان، تهران، فرهنگ گفتمان.
۷. چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران، دانشگاه تهران.
۸. جعفر پور، محمدرضا؛ ادب‌خواه، مصطفی (۱۳۸۴) پیوستگی های همسایگی؛ تعلق خاطری رو به زوال، روزنامه همشهری، شماره ۲۶ ۳۷.
۹. حیاتی، عقیل (۱۳۸۹) ارزیابی مؤلفه‌های هویت‌بخش محلات شهری (نمونه موردی: محله اوین شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲) فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، چاپ دوم، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.

۱۱. سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۸۸) زمینه ارتقاء مشارکت مردمی با تأکید بر هویت محله‌ای ، در آدرس الکترونیکی: <http://www.urbanmanagement.ir>
۱۲. شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) ناسیونالیسم و هویت ایرانی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران صص ۲۰-۳۱.
۱۳. شماعی، علی؛ جهانی، رحمان (۱۳۹۰) بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۶.
۱۴. شماعی، علی؛ پور احمد، احمد (۱۳۹۲) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۱۵. عبدالله زاده، رقیه (۱۳۸۹) گزارش توصیفی محله قیام دشت، معاونت اجتماعی و فرهنگی، اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۱۶. قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه (۱۳۸۹) بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۷.
۱۷. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳) اهل کجا هستیم (هویت بخشی به بافت های مسکونی)، تهران، انتشارات روزنه.
۱۸. کمیلی، محمد (۱۳۸۷) شناخت هویت شهری بندرعباس، دوفصلنامه صفا، شماره ۴۶، ص ۱۶۷.
۱۹. کربلابی نوری، رضا (۱۳۸۳) نشریه داخلی- تخصصی شرکت عمرانی شهرهای جدید، دور جدید، شماره‌های اول، دوم، سوم و چهارم.
۲۰. لینچ، کوین (۱۳۸۴) تئوری شکل خوب شهر ، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مهندسین مشاور فرهاد (۱۳۸۶) خلاصه گزارش طرح تفصیلی منطقه ۷، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری تهران.
۲۲. میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳) گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، موسسه مطالعات ملی- تمدن ایرانی، تهران، چاپ اول.
۲۳. مدنی پور، علی (۱۳۸۴) طراحی فضاهای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و پژوهش‌های شهری، شهرداری تهران.

۲۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، اصفهان، انتشارات شهرداری اصفهان.

Foth, M. (2004) *Designing networks for sustainable neighbourhoods: A case study of student apartment complex*.
[http://eprints. Qut. Edu. Ac](http://eprints.Qut.Edu.Ac).

McMalaing, D.W, and Chavis, (1986) *sense of community: a deffinition and theory*, J.Commun. Psyehdy: 6-230.

Proshansky, H (1978) *the city and self –Identity, Environment and Behavior*.vol.

Relph, E. (1976) *Place and Placelessness, pion*.London.

1- Roger W. caves, (2005) *Encyclopedia of the city, san diago state university, us*.

Walmsley, D. J. (1990) *Urban living: The individual in the city*.
Michigan: University of Michigan, Longman Scientific & Technical.